

## بقلم : آقای مصطفی ذاکری

## « بررسی یسنا »

اوستا یکی از بزرگترین و ارجمندترین باز مانده های دانش و اندیشه ایرانیان کهن است که نه تنها نزد ایرانیان گرامی است بلکه در دل مردم سراسر جهان بویژه دانش دوستان و پژوهندگان راستی و پاکی جایی بس بزرگ و پرارج دارد. سرچشمه بسیاری از آئین های جاودانی و بارورهای همگانی دین ها و کیش های بزرگ جهان (مانند کیش های گوناگون ترسائی و جمهوری و مسلمانی) در این نامه بزرگ مینوی یافت میشود .

کسیکه بخواهد از سر گذشت دین ها و کیش ها آگاه شود و بنیاد یکتا پرستی و آئین های پاکی و راستی را بجوید ناچار است که در این نامه ارجمند بررسی ژرفی بکند .

پی بردن به دوگانگی نیروهای جهان و آفریدگان و همچنین در برابرهم نهادن خوبی و بدی و ستایش خوبها و خوبسان و نکوهش بدیها و بدان یا ستایش سفندارمذ (برترین نشانه خوبها) و نبرد باهریمن (نمونه برجسته بدیها) از بزرگترین گام های پیشرفت مردم است بسوی برتری و آن نخستین بار در این نامه بجهانیان نشان داده شده است .

داستان شیطان و رانده شدن او از پیشگاه خدا و نفرین شدن او که دردینهای سامی آمده از این اندیشه گرفته شده است .

این نامه ب مردم نشان میدهد که چگونه میتوان در آسایش و آرامش زیست و جهان را با کوشش و راستی و نیک اندیشی و پاکدامنی بهشت برین ساخت و از بدی و دروغ و تنبلی و بدبختی که جهان را چون دوزخ سهمناک میسازد دوری کرد .

باور داشتن بجهان دیگر و رستاخیز مردم، نخست از اوستا سرچشمه گرفته و بدینهای سامی رفته است (چنانکه در نامه های دینی جهودان سخنی از رستاخیز و جهان دیگر نیخت).

این نامه برای پژوهندگان دانشهای دین شناسی - تاریخ - واژه شناسی - زبانشناسی - افسانه شناسی - تاریخ فرهنگ - خاور شناسی و دانشهای دیگر ارزش فراوان دارد، و از همین دو بخشهای گوناگون آن به بسیاری از زبانهای زنده جهان ترجمه شده است و دانشمندان باختر زمین در آن پژوهشهای فراوانی کرده اند. اوستای کنونی در پنج بخش جداگانه گردآمده است (یسنا - ویسپرد - ونیدیدا - یشتها - خرده اوستا).

کهن ترین بخش اوستا گائا (گاهان) است (که آنرا بنادرست گاتهامیگویند) و آن بخشی از یخنا است.

هریک از بخشهای اوستا را به تکه های کوچکی بخشبندی کرده اند که هر کدام نامی دارد چنانکه یسنادارای ۷۲ هائیتی است (که بپهلوی آنرا هات و بفارسی ها و بتازی آیه گویند). ویسپرد نیز به تکه های بخشبندی شده است که هر یک از آن تکه ها را رایک کرده (بپهلوی کرتک) گویند و همچنین ونیدیدادارای ۲۲ فرگرد (بپهلوی فر کوت) میباشد.

بخش یشتها دارای ۲۱ یشت است. گائا که بخشی از یسنا است دارای ۱۷ هائیتی است. پیش از اسلام که دین زرتشتی دین همگانی رسمی بود است درباره اوستا پاره هشاو بررسیهای بسیار انجام گرفته که بدبختانه بیشتر آنها از میان رفته و بما نرسیده است. چون زبانی که اوستا بدان نوشته شده است صدها سال پیش از پیدایش اسلام مرده بوده است ناگزیر مردم از آن چیزی در نمی یافتند و از این رو میبایست گفتارهای اوستا بزبان مردم آن زمان ترجمه شود و بر آن گزارشهایی افزوده گردد تا همه مردم از آن بهره مند گردند.

این کار را مؤبدان و دانشمندان آن زمان کرده‌اند و گزارشهای فراوانی برای این نامه نوشته‌اند که آنها را بنام «زند» میخوانند و همچنین زیر نویسها و گزارشهای کوتاهی درباره آن نوشته شده است که بدانها «پازند» میگویند.

این زندها و پازندها دستخوش گردش زمان گردیده‌اند و بیشتر آنها از میان رفته و تنها کمی از آنها بدست ما رسیده است.

همین زندها و پازندها بوده است که در زمانهای پس از اسلام نمونه و «سر مشق» تفسیر نویسان قرآن قرار گرفته است.

در فارسی ترجمه‌های چندی از بخشهای گوناگون اوستا شده است که نامبردارتر از همه ترجمه‌های استاد پور داود است.

در این ترجمه گفتارهای خاورشناسان و اروپائیان را درباره این نامه و چگونگی دین زرتشتی میتوان یافت و برای کسانی که بزبان شناسی دلبستگی دارند و بخواهند از رأی‌های اروپائیان آگاه شوند و همچنین برای کسانی که بخواهند در باره اوستا بررسی ژرف‌تری انجام دهند بسیار با ارزش است.

بتازگی دوست ارجمند من سرکار سرهنگ اورنگ دست بترجمه و گزارش اوستا زده‌اند و یا اگر بخواهم بهتر بگویم برای اوستا «زند» بزرگی میخواهند فراهم کنند و برای این کار برآستی رنج فراوانی بخود هموار کرده‌اند، نوشته‌ها و نامه‌های فراوانی را خوانده‌اند و با دانشمندان و کسانی که در این باره دارای آگاهی هستند پیوسته در گفتگو و نامه نگاری میباشند.

آنچه ایشان از این کار میخواهند با آنچه دیگران میخواسته‌اند جدائی بزرگی دارد.

ایشان میخواهند آئینهای اوستا را از نگرانش پسندانه و خردمندانۀ امروزی بنگرند و آنها را در برابر دانش کنونی بگذارند و بنیاد آن را بر پایه خرد استوار

سازند تا مردم به برتری و بزرگی این دین کهن پی ببرند، چنانکه ایشان خود در دیباچه « بررسی یسنا » رویه ۴۵ یادآوری کرده‌اند که: «من در این بررسی از روش دیگران و رأی آنان پیروی نمیکنم بلکه میکوشم معنی و گزارش گفته‌ها را آنجوریکه از ترجمه خود واژه‌ها برمیآید و با بخشهای دیگر اوستا نیز سازگاری دارد بنویسم زیرا بخش زیادی از گزارشهایی را که بر اوستا نوشته شده است و سرچشمه آنها نامه‌های پهلوی میباشد با شیوه سخنان اوستا و فلسفه سودمند آنها سازگار نمی‌بینم و با اینگونه نویسندگان هم‌رأی نیستم. گفته‌های اوستا همگی ساده و روشن و نمودار بر نامه زندگی و راهنمای پیشرفت و سرافرازی است ولی بیشتر گزارشهایی که در پهلوی با آن نوشته شده آمیخته با اندیشه‌ها و رأی‌هایی است که با روش اوستا سازش ندارد و با سنجش خرد و دانش جور نمی‌آید.

... با آنچه گفته شد راه من جدا و بر بنیاد اندیشه ایرانی است و با کار

دیگران بستگی ندارد».

چنانکه دیده میشود کار ایشان با کارهای دیگران جدائی ژرفی دارد و میتوان گفت که برای نخستین بارزند (تفسیر) با ارزشی از اوستا بزبان فارسی فراهم میگردد. نخستین بخشی که ایشان فراهم آورده‌اند مگه‌ای از یسنا است ( از هات ۱ تا پایان هات ۸ ) در ۵۴۰ رویه (صفحه) .

این نشان میدهد که تا چه اندازه گسترده و پهناور است و شاید بتوانم بگویم که پرداخته‌ترین و روشن‌ترین زنده‌های اوستا همین نوشته سرگرد اورنگ است. از این گذشته چون نگرهای پیشینیان در پیش روی ایشان بوده است .

روشن‌ترین رایها را بر گزیده‌اند و تازه‌ترین اندیشه‌ها را گرد آورده‌اند و آنها را بزبان ساده و روشن و در خور پذیرش همگان نوشته‌اند تا همه بدانند که « گفته‌های

اوستا همگی بر پایه فرهنگ و دانش است. نتیجه هائی که در آن بدست میآید، بسیار ساده و روشن است و درخور پذیرش همه میباشد» (ص ۲۲) و گفته‌های یسنا نه تنها از راه دین و برای دینداران سودمند است، بلکه دارای دستورهای گرانبھائی است که با اندیشه درست همه مردم جهان جور میباشد و همه از آن خوششان میآید خواه پیرو دین باشند یا نباشند، خواه زرتشتی باشند یا پیرو کیش دیگر، زیرا آنچه میگوید برابر سنجش خرد و دانش است.

آنچه میگوید برای آبادانی جهان و خوشبختی جهانیان است.

چیزی نمی گوید که دور از پیرامون دانش باشد و نیروی خرد آن را نپذیرد. شیوه نوشته ایشان نیز مایه امیدواری است چه ایشان گرچه بفارسی سره نوشته‌اند ولی تا آنجا که توانسته‌اند بفارسی نوشته‌اند و راه نویسندگی فارسی را از دست نداده‌اند و از این رو همه کس میتواند از آن بهره‌مند گردد.

پیشگفتار بسیار خوبی هم بر آن نوشته‌اند که از آن میتوان بهره بسیاری برد چنانکه در آن، زمان زرتشت را بررسی کرده‌اند و از روی گفته‌های تاریخ نویسان کهن بودن زمان این پیامبر بزرگ ایرانی را روشن کرده‌اند.

میدانیم که برخی از خاورشناسان (مانند هرتسفلد) کوشش کرده‌اند که هرچه بایران و ایرانی بستگی دارد از فرهنگ و دانش و هنر بزمانهای بسیار نزدیک بیاورند تا پیشی و پیشدستی ایرانیان را در این زمینه‌ها ناچیز سازند و از این رو زمان زرتشت را به سده ششم پیش از مسیح آورده‌اند.

از پیشگفتار «بررسی یسنا» کهن بودن زمان زرتشت روشن گردیده است. در این نوشته تنها یکی دو کمبود بچشم میخورد که میتوان از آن گذشت یکی آنست که در برخی جاها اوستا را تنها با نویسه فارسی (خط فارسی) نوشته‌اند و نویسه دین

دیبره را بکار نبرده اند (گویا هزینه گزاف آن انگیزه این کار بوده است) و این کمبودی را در آن نشان میدهد. امیدوارم که در چاپهای سپسین از میان برداشته شود.

باری امید است که سرکلر سرگرد اورنگ دنباله این کار با ارزش را ببرند و اندک اندک سراسر این نامه ارجمند را گزارش کنند و دوستان دانش و فرهنگ ایران را بهره‌مند سازند و از آن گذشته بمردم کم مایه آشکار کنند که دین اوستا از بسیاری دین‌های بزرگ کنونی جهان برتر است و با خرد سازگارتر.

## حکایت

مردکی را درد چشم خاست پیش بیطاری رفت تا دوا کند بیطار از آنچه در چشم چهارپایان می‌کرد در دیده او کشید در حال کورشدی داوری پیش قاضی بردند گفت بروی هیچ تاوان نیست اگر این خر نبودی پیش بیطار نرفتی منظور از این سخن آن است تا بدانی که هر که ناآزموده را کار بزرگ فرماید ندامت برد و بنزدیک خردمندان بخت رای منسوب گردد.

(سعدی)